



رویای توسعه صنعتی محقق می‌شود؟

گزارشی از برگزاری همایش چالش‌های صنعتی شدن از حکمرانی اقتصادی تا تحولات جهانی

باید قیمت‌های دستوری را اجرا کند. به این ترتیب است که بخش صنعت انگیزه رشد سالم را از دست می‌دهد.

:: ضرورت و فایده توسعه صنعتی

مسعود نیلی در این نشست مذکور به کمک دو همکار خود، نتیجه یک تحقیق را ارائه داد؛ بنا بر تحقیق و پژوهش‌های گروهی که این اقتصاددان رهبر آن بود، ایران برای حل مشکلات خود چاره‌ای جز صنعتی شدن ندارد. نیلی با اذعان به همین مساله سخنان خود را چنین آغاز کرد: برخی می‌گویند که اقتصاد ایران با یک نگاه آگاهانه، اساسا قصدی برای صنعتی شدن ندارد اما در این مجال و صورت فشرده، توضیح می‌دهم که اقتصاد ایران حتما باید صنعتی شود چراکه صنعتی شدن، تفاوت معنادار و زیادی با رشد در بخش‌هایی چون کشاورزی و مسکن یا دیگر حوزه‌ها دارد. بزرگ‌شدن بخش صنعت، پدیده‌ای متفاوت با بزرگ‌شدن صرف بخش‌های دیگر است زیرا صنعتی شدن، یک مرحله از رشد کل است و تنها به معنای افزایش تعداد کارخانه‌ها معنایی‌شود.

این اقتصاددان در ادامه سخنان خود پنج سازوکار را برشمرد که اثر مستقیمی بر افزایش تولید ناخالص داخلی خواهد داشت. نیلی با تاکید بر همین پنج سازوکار اظهار کرد: پنج سازوکار برای ایران وجود دارد که نشان می‌دهد چرا باید حتما صنعتی شویم؛ اول از همه اینکه صنعتی شدن، اثر مستقیم بر تولید ناخالص داخلی داشته و آن را افزایش می‌دهد. البته این افزایش، بدیهی‌ترین اثر صنعتی شدن است و آنچه بسیار مهم‌تر است چهار عامل دیگر محسوب می‌شوند.

نیلی که چهار عامل دیگر را مهم‌تر از افزایش تولید ناخالص داخلی دانست، بیان کرد: صنعتی شدن یک کشور، منجر به افزایش بهره‌وری سایر بخش‌ها می‌شود. همچنین مزیت

اشاره:

طی برگزاری همایش چالش‌های صنعتی شدن در ایران، مسعود نیلی و همکارانش نتایج پژوهش بزرگ انجام شده درباره اینکه چرا باید ایران صنعتی شود و چرا تاکنون نتوانسته است به توسعه صنعتی برسد را توضیح دادند.

مسعود نیلی و همکارانش در یک فرصت چندساعته توانستند این منظور خود را به خوبی توضیح دهند که در ۲۰ سال تازه سیری شده یعنی از دهه ۸۰ تا پایان دهه ۹۰ صنعت ایران نه تنها با صنعت روز جهان از ابعاد گوناگون به‌ویژه از نظر سطح تکنولوژی به کار برده شده همراه نبوده است بلکه به دلیل کاهش واردات ماشین‌آلات صنعتی، تکنولوژی‌ای که همراه این واردات انجام می‌شد را نیز از دست داده است.

مسعود نیلی در بخشی از سخنانش تاکید کرد: کمتر کشوری در دنیا هست که در یک دهه شاهد چهاربار جهش ارزی باشد. جهش‌های ارزی با خود تورم به همراه می‌آورد و تورم که افزایش می‌یابد دولت کسری بودجه می‌آورد و دولت در این وضعیت برای تامین کسری بودجه به بانک‌ها روی می‌آورد و بانک‌ها نیز از منابع بانک مرکزی برداشت می‌کنند و به این ترتیب منابع لازم برای تسهیلات بخش صنعت کاهش می‌یابد.

نیلی باور دارد که دولت‌های ایران با دادن انرژی ارزان به صنعت راه را برای آنها باز می‌کنند تا بتوانند به رشد اقتصادی کمک کنند. اما این اتفاق به جای اینکه به رشد اقتصادی با صیانت از منابع طبیعی باشد به بدتر شدن وضعیت محیط زیست منجر می‌شود و پایداری رشد را از کشور می‌گیرد. از سوی دیگر دولت می‌خواهد به گروه‌های کم‌درآمد کمک کند و در این راهبرد به بنگاه‌های صنعتی فشار می‌آورد که





سهم صنعت، تولید صنعتی واقعی نیز کاهش یافته است.

این کاهش در اندازه واقعی تولید صنعتی، همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی زیادی است که در ۲۰ سال اخیر رخ داده است. او همچنین به این نکته اشاره کرد که در بررسی این تغییرات، باید مقایسه‌ای با کیفیت اقتصاد انجام شود، به ویژه اینکه صنعت بزرگ‌تر یا کوچک‌تر شده است.

در این زمینه، محمودزاده به این نکته اشاره کرد که در دوره اول رشد اقتصادی، سهم صنعت از اقتصاد تا ۲۰ درصد رشد کرده بود، اما در دوره‌های بعدی این سهم به ۱۳ درصد کاهش یافته است. این کاهش، به ویژه در دوره‌های بعد از برنامه‌های نوسازی و تحولات اقتصادی، قابل توجه است. در این مطالعه به داده‌های سال پایه ۱۳۹۰ استناد شده و این اطلاعات به کمک شاخص‌های مختلف بررسی شده‌اند. وی به نقش صنعت در خلق تکنولوژی و افزایش بهره‌وری اشاره کرد و بیان داشت که ارتباط صنعت با دنیا و مقیاس‌پذیری آن از جمله مواردی است که باید بررسی شود. به ویژه تأکید کرد که شاخص‌هایی مانند نرخ بهره‌وری هزینه‌های تحقیق و توسعه و سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی به طور واضح کاهش یافته است.

در دهه ۸۰، نرخ رشد بهره‌وری صنعت منفی ۶ درصد بوده و این کاهش همزمان با کاهش هزینه‌های تحقیق و توسعه مشاهده شده است. در ابتدای دهه ۸۰، سهم هزینه‌های تحقیق و توسعه از کل هزینه‌های بنگاه‌های صنعتی تنها ۱۴ صدم درصد بود که در ادامه به ۶ صدم درصد کاهش یافته است. وی این کاهش در هزینه‌های تحقیق و توسعه را ناشی از این دانست که فرآیند صنعتی شدن در ایران به طور عمده متکی به تقلید از تکنولوژی‌های خارجی بوده و خود فرآیند خلق تکنولوژی نیازمند سرمایه‌گذاری بیشتر است.

:: سرمایه‌گذاری

در دهه ۸۰، میزان سرمایه‌گذاری در بنگاه‌ها حول و حوش ۸ درصد از کل هزینه‌ها بوده است، اما در ادامه این رقم کاهش یافته و به ۴ درصد رسیده است. این کاهش در سرمایه‌گذاری نشان‌دهنده رکود در فعالیت‌های صنعتی کشور است. صنایع وابسته به منابع تکنولوژی با کیفیت پایین، به‌ویژه در بخش‌های متوسط و پایین، در کشور افزایش یافته‌اند.

او به ویژه تأکید کرد که در بازار جهانی، قیمت نسبی محصولات صنعتی ایران کاهش یافته است. این کاهش به دلیل وابستگی کشور به صنایع با تکنولوژی پایین و عدم

این اقتصاددان با طرح این سوال که چرا صنعت در ایران چنین عملکردی داشته است، اضافه کرد: به‌رغم شش دهه تلاش، ایران هنوز هم صنعتی نشده است. همه اسناد بالادستی کشور به اهمیت صنعتی شدن تأکید دارند و برای اینکه بخواهیم به چنین سوالی پاسخ دهیم، باید یک روند انتخاب می‌کردیم و آن روند حاوی این مفهوم بود که کشورهایی که صنعتی شدند چه کردند که صنعتی شدند. همچنین سعی می‌کنیم یک مدل مفهومی حکمرانی معطوف به توسعه صنعتی ارائه دهیم و به یک مدل حکمرانی برسیم که معطوف به توسعه صنعتی است. سوالات زیادی را در نظر داشتیم مانند اینکه آیا ویتنام، مالزی و بسیاری کشورهای دیگر به این دلیل صنعتی شدند که صنعتگران خوبی داشتند؟ آیا سیاست‌های صنعتی ما مشکل داشته است؟ آیا می‌توان در گلخانه‌هایی صنعتی شدن را به وجود آورد و از طریق آن، مساله رفاه و فقر را حل کرد؟ در پایان اینکه آیا صرفاً اضافه شدن تعداد کارخانه‌ها، منجر به صنعتی شدن کشور می‌شود؟ در پایان می‌خواهیم مدل حکمرانی ایران را بررسی کنیم.

نیلی در بخشی از سخنانش گفت واقعیت این است که حکمرانی اقتصادی در ایران و حکمرانی صنعتی گونه‌ای آرایش یافته و گونه‌ای پیش‌رفته که می‌توان گفت حکمرانی صنعتی شکست خورده است. حکمرانی باشرایطی که کشور دارد و به طور مثال سیاست بین‌المللی آن به تضعیف صنعت منجر شده که بگوییم با این وضعیت توسعه صنعتی جایی در ایران ندارد.

امینه محمودزاده، اقتصاددان، در همایش «چالش‌های صنعتی شدن در ایران» به بررسی وضعیت بخش صنعت کشور پرداخت و در ادامه به کاهش تقاضای داخلی برای محصولات صنعتی اشاره کرد و گفت: با کاهش درآمدها و تغییرات در ترکیب سبد مصرفی خانوارها، تقاضا برای کالاهای صنعتی نیز کاهش یافته که این تغییرات منجر به کاهش سهم صنعت در اقتصاد کشور شده است. این اقتصاددان در ابتدا توضیح داد که برای شناسایی وضعیت صنعتی ایران باید یک تصویر کلی از صنعت کشور داشته باشیم تا بتوانیم آن را با سایر کشورها مقایسه کنیم.

وی اشاره کرد صنعت مدرن در ایران از آغاز در مقایسه با کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته، روندی متفاوت طی کرده و این در حالی است که معمولاً در فرآیند صنعت‌زدایی در کشورهای در حال توسعه، سهم صنعت کاهش یافته و بخش خدمات رشد می‌کند اما در ایران، علاوه بر کاهش

دیگر صنعتی شدن آن است که برای کشور ارزآوری دارد و منجر به ترمیم مشکلات ناشی از تحریم می‌شود. بنابر بررسی‌ها، سومین مزیت صنعتی شدن یک کشور، ایجاد کشش درآمدی است چراکه صنعت میزان تقاضا را افزایش می‌دهد و در نهایت همین امر، منجر به اشتغال‌زایی سایر بخش‌ها خواهد شد.

محصولاتی که در فرآیند صنعتی ایجاد می‌شوند کشش درآمدی به وجود می‌آورند یعنی اینکه اگر درآمدها ۱۰ درصد افزایش یافته باشد، تولید بسیار بیشتر است و به همین ترتیب افزایش درآمد و وفور تقاضا منجر به رونق می‌شود. در هیچ‌یک از کشورهای صنعتی، صنعت منجر به اشتغال نشده است اما صنعت می‌تواند سبب شود که اقتصاد اشتغال‌زا شود و کیفیت اشتغال هم افزایش می‌یابد زیرا صنعت به نوع خاصی نیروی کار نیاز دارد. از آنجا که اقتصاد ایران در بازه ۴۵ میلیون تا ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد، مساله اشتغال‌زایی برای ما مهم است و باید حتماً صنعتی شویم، مدرن شدن و صنعتی شدن هم در کنار هم ایجاد می‌شوند و مدرن شدن، ابعاد اجتماعی دارد و همین مساله سبب می‌شود که تغییرات اجتماعی مثبتی هم رخ دهد.

پس از آن، نیلی به معرفی چارچوب پژوهش پرداخت و توضیح داد: بررسی عملکرد صنعت ایران در این مجال، بین بازه زمانی ۱۳۸۰ تا پایان دهه ۹۰ انجام شده است. ما تصمیم گرفتیم دهه ۸۰ را انتخاب کنیم زیرا اقتصاد ایران در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ به بعد، آستان اتفاقات زیادی بود و رخدادهای بسیار مهمی بر سیر اقتصادی اثر گذاشت. در سال‌های اول دهه ۸۰ اقتصاد شاهد رشد اقتصادی، تورم پایین و رشد صنعت بوده است اما از نیمه دوم دهه ۸۰ اقتصاد در کشور ما با وفور درآمدهای نفتی، بیماری هلندی و همچنین تنش‌های خارجی در اقتصاد مواجه شد و قانون اصابت همه این بحران‌ها بخش صنعت کشور بوده و در سال ۱۳۸۹ اصلاح قیمت حامل‌های انرژی عامل مهمی در اقتصاد کشور بوده است.

سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ سال‌های ثبات نسبی در کشور بوده است اما از سال ۱۳۹۷ به بعد، تلاطم‌ها مجدداً به اقتصاد ایران بازگشت چراکه با اعمال تحریم و بعد هم کرونا، تغییرات زیادی در کشور به وجود آمد. ما در سال ۱۴۰۳ هستیم اما نتوانستیم تحقیق خود را به سال‌های اخیر هم گسترش دهیم چراکه داده‌های کشور تا سال ۱۳۹۹ با دقت و ظرافت مورد نظر ما منتشر شده بود و بعد از آن داده‌های منتشره دیگر دقت مورد نیاز ما را ندارد.



توانایی در خلق تکنولوژی‌های پیشرفته مشاهده می‌شود. ایران تنها در سه رشته فعالیت خاص، شامل نفتی، شیمیایی و فلزات اساسی، توانسته صادراتی قابل توجه داشته باشد اما در مجموع، صنعت ایران به‌طور گسترده نتوانسته است در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصاد، نقش موثری ایفا کند. با کاهش درآمدها و تغییرات در ترکیب سبد مصرفی خانوارها، تقاضا برای کالاهای صنعتی نیز کاهش یافته است. این تغییرات منجر به کاهش سهم صنعت در اقتصاد کشور شده است.

برای بهبود وضعیت صنعت ایران، باید روی ارتقای بهره‌وری، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه و همچنین ایجاد ارتباط موثرتر با دنیای بیرونی تمرکز کرد تا صنایع کشور توانایی رقابت در سطح جهانی را پیدا کنند. محمودزاده پرسید آیا تغییرات مشاهده‌شده در شاخص‌ها تنها نشان‌دهنده یک روند کلی برای تمامی فعالان صنعت است یا اینکه برخی بخش‌ها در مقایسه با دیگران تغییرات متفاوتی داشته‌اند. در این زمینه، او به بررسی ۲۴ رشته فعالیت صنعتی با استفاده از دسته‌بندی «آی سی» پرداخت و بیان کرد که برخی از این رشته‌ها در طول زمان سهم خود را افزایش داده‌اند و برخی دیگر کاهش یافته‌اند.

برای مثال، رشته‌هایی که وابستگی بیشتری به منابع طبیعی و انرژی دارند، سهم‌شان در صنعت ایران افزایش یافته است. بعضی صنایع که سهم‌شان از اقتصاد در ابتدا حدود ۴۰ درصد بوده، حالا به بیش از ۶۰ درصد رسیده‌اند و خاطر نشان کرد: این رشته‌ها بیشتر به منابع طبیعی و انرژی وابسته‌اند و به تبع آن، فعالیت‌های آنها به شدت انرژی‌بر شده است.

در عین حال، افزایش اشتغال در این صنایع متناسب با افزایش ارزش افزوده نبوده است. به عبارت دیگر، صنایع بزرگ‌شده، شغل‌زا نبوده‌اند و به‌طور طبیعی نمی‌توانند در حل مسائل اشتغال کشور نقشی داشته باشند. ۲۰ درصد از کارگاه‌های صنعتی بالای ۱۰ نفر، حدود ۵۰ درصد از تولیدات کشور را به خود اختصاص داده‌اند. این نشان‌دهنده تمرکز بسیار زیاد در بخش‌های خاصی از صنعت است. علاوه بر این، ترکیب مالکیتی صنعت و روند تغییرات در این زمینه نیز از نکات مهمی بود که محمودزاده به آن پرداخت. او بیان کرد با وجود اینکه شاخص‌های مختلفی مانند بهره‌وری، تکنولوژی و رقابت‌پذیری کاهش یافته‌اند، تمرکز بالای تولید و وابستگی به منابع طبیعی همچنان در صنعت ایران وجود دارد.

تکنولوژی

وی این پرسش را مطرح کرد که آیا تحولات مشاهده‌شده در صنعت ایران ناشی از تغییرات طبیعی فرآیند صنعتی شدن و رشد تکنولوژی در دنیاست یا به دلیل ویژگی‌های خاص کشور ماست. او به تحلیل گروه‌های مختلف کشورها پرداخته و گفت که برخی کشورها رشد صنعتی خود را بر پایه منابع طبیعی قرار داده‌اند، در حالی که برخی دیگر از توسعه بخش خدمات به عنوان موتور رشد استفاده کرده‌اند.

محمودزاده سپس به مقایسه ایران با کشورهای دیگر پرداخت و گفت در ابتدای دهه ۸۰، بزرگ‌ترین سهم صنعت ایران مربوط به فرآورده‌های شیمیایی، خودرو و فلزات بود. اما در ادامه، سهم فرآورده‌های شیمیایی به ویژه در ایران افزایش یافته و از سوی دیگر، سهم خودرو کاهش پیدا کرده است. در عین حال، فرآورده‌های غذایی نیز سهم بیشتری را به خود اختصاص داده‌اند.

وی گفت: روندهای صنعتی ایران به ویژه در مقایسه با کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، مطلوب نبوده و با ناهنجاری‌هایی همراه است که نشان‌دهنده ضعف‌های اساسی در ساختار و توسعه صنعت کشور است. امینه محمودزاده در تحلیل خود به مشکلات و ریسک‌های ناشی از سیاست‌های حمایتی در ایران اشاره می‌کند.

او توضیح می‌دهد که در بازار داخلی، برخی تولیدکنندگان بالقوه به دلیل محدودیت‌های دسترسی به نوآوری و بازار، نمی‌توانند وارد رقابت شوند. مصرف‌کنندگان نیز دسترسی به محصولات مشابه خارجی با کیفیت بهتر ندارند اما دولت به دلیل حمایت از کالاهای وارداتی واسطه‌ای و سرمایه‌ای، با ریسک کسری بودجه و مشکلات اقتصادی مواجه می‌شود. محمودزاده تاکید می‌کند که این نوع حمایت‌ها، اگرچه در ابتدا برای کمک به صنایع نوپا در نظر گرفته شده بود اما در طول زمان موجب افزایش هزینه‌های تولید و کسری بودجه می‌شود و در نهایت به مشکلاتی مانند ناسازگاری زمانی و کسری تراز پرداخت‌ها منجر می‌شود.

رقابت‌پذیری؛ نمونه ویتنام

علیرضا ساعدی، اقتصاددان، دیگر سخنران این نشست نیز در سخنانی بسیار بااهمیت به مقایسه توسعه صنعتی در ایران و دیگر کشورها پرداخت. او در سخنرانی خود به بررسی وضعیت رقابت‌پذیری صنعتی کشورها پرداخته و تاکید کرده که برای حضور موفق در صحنه بین‌المللی، صنعت کشور

نیازمند حمایت‌های داخلی است.

ساعدی گفت: شاخص‌هایی برای ارزیابی ظرفیت تولید و صادرات صنعتی در سطح ملی وجود دارد که می‌تواند به درک بهتر وضعیت رقابت‌پذیری کشورهای مختلف کمک کند.

به طور خاص، وضعیت ویتنام طی سه دهه گذشته را مورد توجه قرار داده و آن را نمونه‌ای از موفقیت در پیشبرد استراتژی‌های صنعتی خود دانسته است.

وی همچنین بر ضرورت توجه به استراتژی‌های صنعتی کشورهای موفق مانند ویتنام اشاره و بر این نکته تاکید کرد که این کشورها توانسته‌اند با پایبندی به سیاست‌های صنعتی خود، جایگاه رقابتی خود را ارتقا دهند. در مقایسه با کشورهای آسیایی دیگر مانند مالزی و اندونزی، ویتنام توانسته است رتبه رقابتی خود را به سطح بالاتری ارتقا دهد. ساعدی همچنین به چالش‌های صنعتی کشور و ارتباط آن با سیاست‌های اقتصادی و بازارهای مختلف اشاره کرده و به تحلیل اثرات سیاست‌های صنعتی بر عملکرد بنگاه‌ها پرداخت.

وی تاکید کرد که دولت‌ها در کشورهای موفق، با اتخاذ سیاست‌های صنعتی مناسب، توانسته‌اند عملکرد بازارهای داخلی و خارجی خود را بهبود بخشند و از این طریق به توسعه صنعتی و اقتصادی دست یابند.

در عصر انقلاب فناوری، توجه ویژه‌ای به توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و بهبود فناوری‌های مرتبط با صنعت شده است. برای مثال، کشورهایی مانند آلمان و ایالات متحده در سال‌های اخیر تمرکز ویژه‌ای بر سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال و حفظ امنیت مالکیت داده‌ها داشته‌اند.

وی به نمونه‌هایی از کشورهایی مانند مالزی و مکزیک اشاره کرد که در راستای پیشبرد برنامه‌های فناوری و گسترش زیرساخت‌های دیجیتال تلاش‌های زیادی انجام داده‌اند. در این راستا، دولت‌ها سعی کرده‌اند با ایجاد شرایط مناسب برای سرمایه‌گذاری‌های خارجی و استفاده از فناوری‌های نوین، به تقویت صنایع داخلی بپردازند.

ساعدی تاکید کرد که در کشورهای پیشرفته، تولیدات صنعتی نه تنها برای تامین نیازهای داخلی بلکه برای صادرات به بازارهای جهانی انجام می‌شود. در این زمینه، کشورهایی مانند ترکیه و چین با جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و تولید کالاهای صنعتی برای صادرات به اروپا، توانسته‌اند



گرفت تا به ارتقای تولید ناخالص ملی کشور از طریق بهبود برنامه سیاست و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با توسعه صنعتی منجر شود. نهادی که اکنون نهادی تازه است و باروری و دوام و بقای آن نیازمند کمک و حمایت همه کارشناسان و محققان، پژوهشگران و کارآفرینانی است که عشق و درد میهن و دغدغه پیشرفت و توسعه آن را در سر دارند.

عزیزی از یاران بنیاد، اقدام این ارادتمند در تاسیس بنیاد توسعه صنعتی در اواسط نهمین دهه زندگی‌ام را به رمان «پیرمرد و دریا» تشبیه می‌کرد، پیرمردی که قصد دارد برای صید ماهی تا دل آب‌های دور برود، چرا که به باور او برنده کسی است که به جای دور می‌رود، آری شاید این چنین صید ماهی درشت توسعه صنعتی از دریای فرصت‌های جهان امروز اگرچه سخت و توان‌فرسا می‌نماید، اما به گمانم شدنی و ضروری است؛ شدنی است با توجه به مزیت‌های عظیم فرهنگی و تمدنی، نیروی انسانی جوان و تحصیلکرده بسیار با استعداد، منابع انرژی و معدنی، موقعیت بی‌نظیر جغرافیایی، زیرساخت‌های نسبتاً مناسب و چند دهه تجربه فعالیت صنعتی. اما توسعه صنعتی امری ضروری برای میهن ماست، به سبب انواع ناترازی‌ها و فقر و بیکاری که چهره خشنش در گنر هر روزه از کوچه و خیابان، دل هر فرد انسان‌دوست و میهن‌پرستی را می‌آزارد و ترس به چهره می‌آورد. من از بیهودگی این همه دست و بیگانگی این همه صورت می‌ترسم. به گمان این ارادتمند و پس از حدود ۷۰ سال کار صنعتی، تحقق توسعه صنعتی و بالفعل شدن توان بالقوه مردم با آزادی امکان‌پذیر است.

این آزادی که امکان خلق ایده و اندیشه را به‌عنوان گام اول هر توسعه برای انسان فراهم می‌آورد، برداشتن گام‌های دیگر را ممکن می‌سازد. اینکه نظام آموزشی کار خلاقیت و کسب مهارت‌های واقعی را فراهم آورد، افراد خلاق امکان ثبت ایده‌ها و حق مالکیت بر آن را دارا باشند و در ادامه نهادهای اقتصادی امکان دهند تا این افراد به‌آسانی و بدون موانع برطرف‌نشده، شرکت‌هایی را راه‌اندازی کنند. همچنین نهادهایی برای تامین مالی پروژه‌های نوآورانه و حمایت از بنگاه‌های نوآور وجود داشته باشد و بازار کار امکان استخدام نیروهای باکیفیت را فراهم سازد و در انتها فضای اقتصاد رقابتی، ظرفیت و امکان عرضه و جذب محصولات این شرکت‌های نوآمده و خلاق و پیشرو را داشته باشد. بر این اساس تاریخ توسعه صنعتی به گمان اینجانب چیزی جز تاریخ آزادی نیست؛ تاریخی که با عشق و صلح و دوستی و نه تضاد و دشمنی گره خورده و رقم زده شده است.

در تثبیت و ماندگاری صنایع کشور نقش موثری داشتند. امروز که بار دیگر مسیر توسعه صنعتی کشور مورد بازنگری قرار گرفته، شایسته است که مدل‌های مشارکت مردمی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. خانواده‌های کارآفرین با دارا بودن ظرفیت‌های منحصربه‌فرد از جمله سرمایه‌های اجتماعی، شبکه‌های ارتباطی گسترده و تجربه‌های چندنسل بهترین مصداق مردمی‌سازی اقتصاد هستند. تقویت این مدل تضمین‌کننده پایداری و ماندگاری صنایع، افزایش اشتغال پایدار و پیشبرد نوآوری در بخش‌های مختلف اقتصادی خواهد بود. از این رو انتظار می‌رود استراتژی توسعه صنعتی کشور این مهم را به‌عنوان یکی از محورهای اصلی خود در نظر گیرد. طراحی و اجرای سیاست‌های حمایتی ویژه برای خانواده‌های کارآفرین و کسب‌وکارهای خانوادگی، نه تنها بستر ساز جهش صنعتی می‌شود، بلکه تحقق واقعی اقتصاد مقاومتی و مشارکت فعال مردم در اقتصاد را نیز به دنبال خواهد داشت. به امید روزی که نقش خانواده‌های کارآفرین به‌عنوان محور مردمی‌سازی صنعت ایران در سیاست‌های توسعه صنعتی کشور به رسمیت شناخته شود و با همراهی و هم‌افزایی ملی راه برای صنعتی شدن فراگیر و عادلانه هموار شود.

در دل من چیزی است مثل یک بیشه نور، سپاس باد پروردگار جهان را، خداوندگار خرد، صلح و عشق و دوستی. آنچه در این جمع شریف می‌گذرد، گامی بزرگ و ارزشمند در تحقق رویای همه عمر کسی است که خود را اسی از ارابه توسعه صنعتی کشور می‌داند.

روای صنعتی شدن این سرزمین، ایران عزیز، همواره مایه حیات و امید به زندگی این ارادتمند بوده است، پس بر این مبنا بر خود می‌بالم که در این لحظه و از طریق بنیاد توسعه صنعتی محسن خلیلی، سهمی در این واقعه مهم علمی و پژوهشی دارم و اگرچه به سبب کسالت و سالخوردگی کمی دور از شما فرهیختگان و سروران بس عزیز و گرامی در منزل به سر می‌برم، اما با تمام وجود، خود را در کنار شما بزرگواران احساس می‌کنم. سلام و درود فراوان بر شما عزیزان و نازنینان و دکتر مسعود نیلی، دانشمند گرانمایه و برجسته که وجودش نعمتی بزرگ برای این مرز و بوم و حضورش در بنیاد توسعه صنعتی، در کنار سایر اعضا و دست‌اندرکاران محترم برای این خدمتگزار اقتصاد ملی، مایه مباهات و افتخار بسیار است. بنیاد توسعه صنعتی با هدف پشتیبانی و حمایت از مطالعات و پژوهش‌های کاربردی، اقتصادی و صنعتی و تشکلهای فعال در این زمینه، شکل

به جایگاه‌های بالاتری در زنجیره‌های ارزش جهانی دست یلند

ساعدی همچنین به چالش‌های صنعت ایران اشاره و بر این نکته تأکید کرد که در سند ۲۵ ساله‌ای که با چین تدوین شده، به جای تمرکز بر واردات و صادرات کالا، نیاز است که ایران به دنبال تقویت زنجیره‌های ارزش خود باشد. در این راستا، تولیدات صنعتی ایران باید با کیفیت و ارزش افزوده بالا تولید و به بازارهای جهانی صادر شود.

وی به تغییرات در سیاستگذاری‌های صنعتی اشاره کرد و گفت که در سال‌های اخیر، توجه به سفارشی‌سازی تولیدات و تحولات زنجیره ارزش جهانی باعث شده است کشورهای مختلف به سرمایه‌گذاری در آموزش نیروی انسانی و تقویت ظرفیت‌های فناوری پرداخته و سیاست‌های خود را بر اساس این تحولات تنظیم کنند.

ساعدی در ادامه سخنان خود به استراتژی صنعتی کشورهای دیگر، از جمله امارات متحده عربی اشاره کرد. او به سیاست‌های صنعتی دولت امارات در ایجاد دسترسی به بازار سرمایه و استفاده از صندوق‌های ثروت ملی این کشور برای تقویت اقتصاد و صنعت اشاره داشت. امارات با استفاده از پلتفرم‌های نوین در نظام مالی و صنعتی خود، تلاش می‌کند تا در حوزه‌های مختلف اقتصادی از جمله صنعت، به یک بازیگر جهانی تبدیل شود.

این نسل از صنعت‌گری به ویژه از طریق فناوری‌های نوین و تعاملات دیجیتال، به بنگاه‌ها و دولت‌ها اجازه می‌دهد تا فرآیندهای صنعتی خود را بهینه‌سازی و رقابت‌پذیری خود را در سطح جهانی ارتقا دهند. در ادامه این همایش، پیام

محسن خلیلی، صنعتگر و موسس بنیاد توسعه صنعتی و کارآفرینی خوانده شد: «استاد گرانقدر، کارآفرینان ارجمند

و مدیران محترم، باعث افتخار است که در این گردهمایی ارزشمند که به بررسی چالش‌های صنعتی شدن ایران می‌پردازد، سخنی کوتاه داشته باشم. صنعتی شدن بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین ارکان توسعه پایدار و استقلال اقتصادی کشورهاست، اما نکته‌ای که گاه از دید پنهان می‌ماند، نقش بنیادین خانواده‌های کارآفرین و کسب‌وکارهای خانوادگی در فرآیند صنعتی شدن است. تاریخ صنعتی شدن ایران از دیرباز تا امروز با نقش آفرینی خانواده‌های کارآفرین گره خورده است، از فعالیت‌های کوچک خانوادگی گرفته تا ایجاد کارخانه‌های بزرگ تولیدی و بنگاه‌های اقتصادی پیشرو، این خانواده‌ها نه تنها خاستگاه اولیه بسیاری از صنایع مادر بودند، بلکه با تکیه بر ارزش‌های خانوادگی، مثل صداقت، تعهد و نگاه بلندمدت